

نگاهی به وضعیت

اقتصادی و صنعتی

کشور

# توسعه صنعتی در پیچ و خم ساختار اقتصادی

نوشته: بهروز هادی زنوز

اشاره  
اقتصاد ایران بعد از انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی با مشکلات و مسائل جدی مواجه شد که بر رشد آن اثر نامطلوب گذاشت. فرار سرمایه‌ها، مهاجرت بخشی از نیروی کار متخصص به خارج، بحران در سیستم بانکی، بحران مالکیت و مدیریت در بخشهای تولیدی بویژه در صنعت و کشاورزی، تحریم اقتصادی، جنگ فرساینده‌ای که در حدود ۸ سال به درازا کشید و بالاخره بحران نفت در بازار جهانی از جمله مشکلات اصلی کشور بود.

تحت این وضعیت وظیفه دفاع از کشور، استقرار حاکمیت جمهوری اسلامی و مقابله با دشمنان داخلی و خارجی آن و حفظ وحدت و یکپارچگی در میان دولتسازان از اولویت درجه اول برخوردار بود و لذا برنامه‌ریزی رشد اقتصادی، تغییر ساختار اقتصاد ایران از یک اقتصاد عقب‌مانده و وابسته به یک اقتصاد پیشرفته و مستقل، ایجاد اشتغال مسول، جلوگیری از نفوذ و تغییر ناپذیربهای اجتماعی و اقتصادی به نفع اشرار محروم جامعه اگر چه بلااجرا ماندن برنامه اول اقتصادی، بحران می‌توان گفت که از اولویت درجه دوم برخوردار شد. برای ۱۳۶۷-۶۸ خود گونه این ادعا است.

بعد از پایان جنگ و اصلاح قانون اساسی و انتخاب رهبری، رئیس جمهوری و برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی مسائل اقتصادی و بازاریابی اقتصاد کشور مجدداً در دستور روز قرار گرفت و برنامه‌های جدید دولت (برای سالهای ۷۳-۷۴) به تصویب مجلس رسید. براساس آنچه در برنامه جدید پیش‌بینی شده و با توجه به فروکش کردن شعله جنگ و آثار مخرب آن، بنظر می‌رسد عملکرد اقتصاد کشور در ۵ سالگی که در پیش‌رو داریم در مقایسه با دوره ۶۸-۷۳ بهبود یافته است.

در زیر بطور اجمال ساختار اقتصادی کشور در ارتباط با امکانات و تکنولوژی که چنین ساختاری برای توسعه صنعتی بوجود می‌آورد بررسی می‌شود.

نداشته‌اند. در گروه سنی ۱۸ تا ۲۴ سال نیز که بیشتر به تحصیلات دانشگاهی اختصاص دارد این نسبت ۳/۶ درصد بود. اگر نیروی انسانی امروزه بعنوان مهمترین عامل توسعه اقتصادی و پیشرفت فنی محسوب می‌شود. می‌توان نتیجه گرفت که ادامه این وضع در آینده نگران‌کننده خواهد بود.

نرخ فعالیت جمعیت در ۱۰ سال اخیر سیر نزولی داشته و از ۴۲/۶ درصد (در سال ۱۳۵۵) به ۳۹/۷ درصد تقلیل یافته است. جوانتر شدن جمعیت در فاصله دو سرشماری عامل اصلی کاهش نرخ فعالیت محسوب می‌شود. عامل

نداشته‌اند. در گروه سنی ۱۸ تا ۲۴ سال نیز که بیشتر به تحصیلات دانشگاهی اختصاص دارد این نسبت ۳/۶ درصد بود. اگر نیروی انسانی امروزه بعنوان مهمترین عامل توسعه اقتصادی و پیشرفت فنی محسوب می‌شود. می‌توان نتیجه گرفت که ادامه این وضع در آینده نگران‌کننده خواهد بود.

نرخ فعالیت جمعیت در ۱۰ سال اخیر سیر نزولی داشته و از ۴۲/۶ درصد (در سال ۱۳۵۵) به ۳۹/۷ درصد تقلیل یافته است. جوانتر شدن جمعیت در فاصله دو سرشماری عامل اصلی کاهش نرخ فعالیت محسوب می‌شود. عامل

۲۴۶۳ هزار نفر و نرخ بیکاری در سال ۱۳۶۵ به ۱۹/۲ درصد خواهد رسید. کاهش تعداد افراد زیرپرچم نیز که در تعریف مرکز آمار شاغل بحساب آمده‌اند در دوره بعد از جنگ موجب افزایش لشکر بیکاران شده است. گفتنی است که در تعریف مرکز آمار ایران بیکاری پنهان اندازه‌گیری نشده است در حالیکه در اقتصاد ایران با توجه به غلبه نظام بهره‌برداری دهقانی در کشاورزی و بهره‌برداری نامطلوب از ظرفیت‌های تولیدی بدون اخراج کارکنان صنعتی و کاهش بهره‌وری سرانه نیروی کار در بخش ساختمان و خدمات در دهه ۶۵-۱۳۵۵ می‌توان

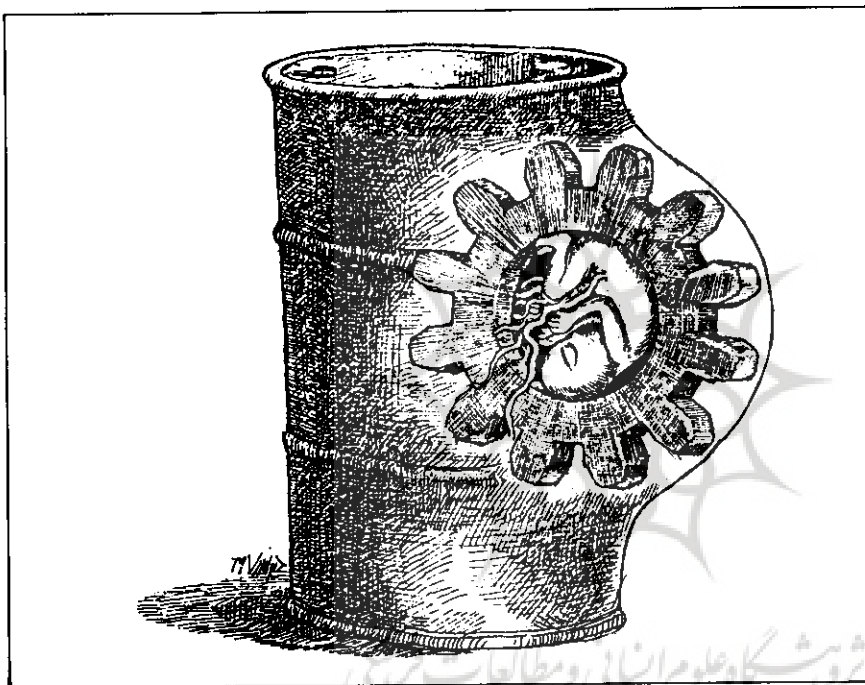
## جمعیت، نیروی انسانی و اشتغال

جمعیت ایران در دهه ۶۵-۱۳۵۵ با نرخ بالای ۳/۹ درصد در سال رشد کرد و در انتهای این دوره به ۴۹/۴ میلیون نفر رسید. (۱) در این مدت در حدود ۱۵/۷ میلیون نفر به جمعیت کشور افزوده شد. افزایش سریع جمعیت در وضعیتی که تولید ناخالص ملی سیر نزولی می‌پیمود موجب افزایش فقر عمومی در جامعه شد و از تولید ناخالص داخلی سرانه به‌قیمت ثابت در همین دوره ۴۲/۲ درصد کاست. با ادامه رشد جمعیت فشار بر منابع طبیعی تشدید خواهد شد و تخریب خاک، مراتع و جنگل‌ها که به‌صورت نگران‌کننده‌ای جریان دارد در آینده ابعاد گسترده‌تری بخود خواهد گرفت.

در دهه اخیر افزایش سریع جمعیت موجب افزایش هزینه‌های بودجه دولت برای تأمین خدمات درمانی و بهداشتی و آموزشی و فرهنگی شده است و بتدریج از سهم بودجه عمرانی کاسته شده و بر بودجه‌های جاری دولت افزوده شده است.

یکی دیگر از پیامدهای رشد سریع جمعیت جوانی آن است. در سال ۱۳۶۵ در حدود ۴۵/۵ درصد جمعیت در گروه سنی کمتر از ۱۵ سال ۵۱/۵ درصد در گروه سنی ۱۵-۶۴ سال و فقط ۳/۰ درصد آن در گروه سنی ۶۵ ساله و بیشتر قرار داشته است و سن کمتر از ۰/۱ درصد آن نیز نامشخص بوده است. جوانی جمعیت بر ترکیب مصرف و تمایل به مصرف اثر می‌گذارد و بنا افزایش تمایل به مصرف اولاً به فقر خانوارهای فقیر می‌افزاید و ثانیاً بقرض ثبات سایر عوامل، پس‌انداز کل را محدود می‌سازد و از این طریق بر رشد اقتصادی اثر منفی می‌گذارد.

با آن که در دوره بعد از انقلاب نرخ بیسوادی جمعیت کاهش یافت. با این وجود در سال ۱۳۶۵ فقط ۶۱/۸ درصد جمعیت کشور با سواد بودند (جمعیت ۶ ساله و بالاتر) نکته درخور توجه این است که درصد اشتغال به تحصیل در گروه سنی ۶ تا ۱۰ ساله ۸۱/۷ درصد بود، یعنی تمام جمعیت لازم‌الاجتماع به تحصیل اشتغال



اشتغال به تحصیل و مشارکت کمتر زنان در نیروی کار نیز در کاهش این نرخ تاثیر داشته است. به‌رحال جمعیت فعال کشور در این مدت از حدود ۹/۸ به ۱۲/۸ میلیون نفر افزایش یافته است و نرخ رشد آن در حدود ۲/۷ درصد در سال بوده است. تقاضای نیروی کار در دوره ۶۵-۱۳۵۵ با نرخی کمتر از عرضه آن افزایش یافته است (در حدود ۲۷/۲۶ درصد در سال) به نحوی که تعداد بیکاران از ۹۹۷ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ به ۱۸۱۹ هزار نفر در سال ۱۳۶۵ رسیده و نرخ بیکاری از ۱۰/۱۷ درصد به ۱۴/۱۹ درصد افزایش یافته است. نکته درخور توجه این است که در آمارگیری سال ۱۳۶۵ بیکاران فصلی که تعداد آنها به حدود ۶۴۳/۹ هزار نفر می‌رسید برخلاف آمارگیری سال ۱۳۵۵ در شمار شاغلان محاسبه شده‌اند. اگر این رقم را از محاسبات اشتغال حذف کنیم شمار بیکاران به حدود

گفت بیکاری پنهان امری شایع است. بالاخره نکته درخور توجه این است که در تعریف مرکز آمار بیکار به کسی گفته می‌شود که دو هفته قبل از مراجعه مأمور سرشماری شغلی نداشته و در جستجوی کار بوده است. بنابراین این کلیه جوانانی که از یافتن شغل نومید شده‌اند و در جستجوی کار نبوده‌اند در شمار بیکاران به حساب نیامده‌اند. بنظر می‌رسد بخش قابل توجهی از زنان خانهدار و جوانان تازه کار در زمره نیروی کار بالقوه جامعه می‌باشند که در صورت یافتن فرصت‌های شغلی مناسب می‌توان از نیروی کار آنها بهره گرفت.

کاهش تولید ناخالص ملی به قیمت ثابت در دوره ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۶ بموازات کاهش سهم تشکیل سرمایه ثابت در تولید ناخالص ملی، انباشت سرمایه را در کشور کند کرده است و به رشد اقتصادی منفی انجامیده است. کاهش سهم هزینه های مصرفی بخش دولتی در هزینه ناخالص ملی سبب محدود شدن عرضه سرانه خدمات آموزشی، بهداشتی و سایر خدمات

افزایش سهم بخش خدمات در ارزش افزوده بخشهای عمده اقتصادی حاکی از وجود گرایش های ناسالم در اقتصاد عقب مانده کشور در این دوره است و بر خلاف کشورهای پیشرفته صنعتی نشانه بلوغ اقتصادی نیست. سهم اجزای تشکیل دهنده هزینه ناخالص ملی به قیمت بازار در دوره مشابه بشرح جدول شماره ۲ تحول یافته است.

گفتنی است که از ۲۲۰۴ شغل جدیدی که در دوره دهساله ۶۵-۱۳۵۵ ایجاد شده تعداد ۱۹۵۳ هزار شغل، یعنی ۸۸/۶ درصد مشاغل جدید در بخش خدمات ایجاد شده است. به همین دلیل سهم نسبی بخشهای صنعت و کشاورزی در اشتغال کاهش یافته و بر سهم بخش خدمات افزوده شده است. سهم بخشهای سه گانه کشاورزی، صنایع و خدمات در اشتغال که در سال ۱۳۵۵ به ترتیب ۴۳، ۳۴/۲ و ۳۰/۹ درصد بود در سال ۱۳۶۵ به ۲۵/۳، ۲۹/۱ و ۴۲/۳ درصد رسید.

## رشد اقتصادی و ساختار اقتصادی

تولید ناخالص ملی به قیمت ثابت سال ۱۳۵۳ از ۳۸۲۵/۹ میلیارد ریال (به قیمت بازار) در سال ۱۳۵۶ به ۳۳۱۳/۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۶ تنزل یافت. تولید ناخالص ملی

سرانه (به قیمت ثابت سال ۱۳۵۳) از ۱۱۱/۵ هزار ریال در سال ۱۳۵۵ به ۶۶/۴ هزار ریال در سال ۱۳۶۵ کاهش یافت. یعنی در مدت ۱۰ سال معادل ۴۹/۶ درصد از آن کاسته شد.

شاخص هزینه مصرف خصوصی سرانه که بعنوان یکی از شاخصهای رفاه اجتماعی می تواند

مورد استفاده قرار گیرد از حدود ۵۳ هزار ریال در سال ۱۳۵۶ به ۳۴ هزار ریال در سال ۱۳۶۷ رسید. و در طی یک دهه ساختار تولید بشرح جدول شماره یک تغییر یافت:

## جدول ۱- سهم ارزش افزوده بخشهای عمده اقتصادی در مجموع ارزش افزوده ها به قیمت ثابت سال ۱۳۵۳ درصد

بخشهای عمده اقتصادی	۱۳۵۶	۱۳۶۶
کشاورزی	۹/۱	۱۷/۶
نفت	۳۸/۲	۱۴/۲
صنایع و معادن (شامل آب و برق و گاز و ساختمان)	۱۶/۶	۱۸/۷
خدمات	۳۷/۱	۴۹/۵
جمع	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

ماخذ: ۱- بانک مرکزی، حسابهای ملی ایران ۵۶- ۱۳۳۸ اداره حسابهای اقتصادی سال ۱۳۶۰ مستخرج از ص ۱۱۴  
۲- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور ۱۳۶۷، تاریخ انتشار ۱۳۶۸ ص ۴۶۴.

\* در حال حاضر سرمایه مورد نیاز برای بازسازی صنایع فرسوده بسیار قابل ملاحظه است و بسیاری از کارخانه های صنعتی درصد کمی از ظرفیت های تولید خود را مورد بهره برداری قرار می دهند.

عمومی وزیر ساختی شده است.

## تجارت خارجی

درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت در اثر افت شدید قیمت نفت در سالهای اخیر از ۲۰/۹ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۶ به حدود ۷/۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۷ کاهش یافت (۲)



ترکیب هزینه های ارزی کشور در چند سال اخیر بخصوص سالهای جنگ نشان می دهد که هزینه های ارزی دفاع و کالاهای اساسی و حساس عمده ترین اقلام بوده چه ارزی کشور را تشکیل می داده است. ادامه این وضع همچون گذشته به کسری تراز تجاری خواهد انجامید.

واردات کشور از ۱۵۸۲/۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۲ به ۶۵۸/۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۶ رسید. در سال ۱۳۶۲ و ۱۳۶۶ ترکیب کالایی واردات بشرح جدول شماره ۳ بوده است:

جدول شماره ۳- ترکیب کالاهای وارداتی کشور (درصد)	۱۳۶۲	۱۳۶۶
کالاهای واسطه	۶۰/۰	۵۸/۷
کالاهای مصرفی	۱۶/۱	۱۷/۷
کالاهای سرمایه ای	۲۳/۹	۲۳/۶

● مستخرج از مرکز آمار ایران، همانجا جدول ۱۴-۱۷ ص ۳۴۰

کاهش واردات شکاف عرضه و تقاضای داخلی را در وضعی که کسری بودجه به افزایش نقدینگی بخش خصوصی انجامیده افزونتر ساخته است. ترکیب کالایی واردات نشان دهنده عقب ماندگی صنعتی کشور و وابستگی اقتصاد ایران به واردات کالاهای واسطه ای و سرمایه ای است. بعلت چنین ساختاری کاهش واردات به کاهش بهره برداری از ظرفیتهای تولید در صنایع و وقفه

## جدول شماره ۲- سهم اجزاء هزینه ملی به قیمت ثابت سال ۱۳۵۳ در سالهای ۱۳۶۶ و ۱۳۵۶ درصد

اجزاء هزینه ملی	۱۳۵۶	۱۳۶۶
هزینه مصرفی بخش خصوصی	۴۲/۸	۵۶/۴
هزینه مصرفی بخش دولتی	۲۱/۳	۱۳/۶
تشکیل سرمایه های ثابت ناخالص	۲۷/۵	۱۳/۴
تغییر در موجودی انبار	-۵/۵	۱۱/۱
شاخص صادرات کالاها و خدمات	۲/۴	-۴/۲
اشتباهات آماری	۹/۷	۹/۵
خالص درآمد عوامل تولید از خارج	-۰/۹	۰/۲
نتیجه رابطه مبادله بازرگانی	۲/۷	۰/۱
هزینه ناخالص ملی = تولید ناخالص ملی	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

ماخذ: ۱- بانک مرکزی، همانجا ص ۳۸۶  
۲- مرکز آمار ایران، همانجا ص ۴۶۸.

در جایگزینی ماشین‌آلات فرسوده انجامیده است. تشکیل سرمایه ثابت نیز بعلت ساخت وابسته صنعت کشور وابسته به واردات کالاهای سرمایه‌ای است که از این رهگذر زیان دیده است. عقب‌ماندگی بخش کشاورزی و صنایع وابسته به کشاورزی نیز چه در گذشته و چه در دهه اخیر موجب افزایش واردات مواد غذایی شده است و این بخش امروزه وارد کننده خالص می‌باشد.

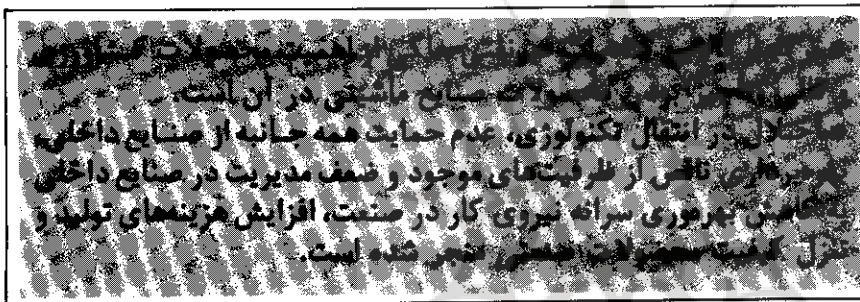
ارزش صادرات غیرنفتی کشور در مقایسه با واردات ناچیز است و از ۳۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۲ به ۸۱/۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۶ رسیده است. ترکیب کالایی صادرات غیرنفتی حاکی از اهمیت محصولات کشاورزی و قبالی و ناچیز بودن محصولات صنایع ماشینی در آن است. اختلال در انتقال تکنولوژی و عدم ایجاد صنایع داخلی در مقابل رقابت محصولات مشابه خارجی، بهره‌برداری ناقص از ظرفیتهای موجود و ضعف مدیریت در صنایع داخلی به کاهش بهره‌وری سرانه نیروی کار در صنعت، افزایش هزینه‌های تولید و تنزل کیفیت محصولات صنعتی منجر شده است. ناتوانی در جوابگویی به تقاضای داخلی از سوی صنایع داخلی و مجموعه عوامل یاد شده مانع از نفوذ محصولات صنعتی به بازارهای صادراتی شده است. تورم داخلی در دهه اخیر نیز بروخامت اوضاع از این نظر افزوده است.

## تورم و آثار سوء آن بر توسعه صنعتی

بدون آن که قصد داشته باشیم تورم دوره بعد از انقلاب را صرفاً در چارچوب نظریه مقداری پول و بویژه برپایه تابع تقاضا برای پول تحلیل کنیم، باید قبول کرد که افزایش حجم نقدینگی به‌میزانی بیش از تولید ناخالص داخلی (به قیمت ثابت) طبعاً در تورم بالای سالهای اخیر دخیل بوده است. در واقع در سالهای گذشته بدلیل افزایش هزینه‌های دولت و متقابلاً عدم افزایش و یا افزایش نامتناسب درآمدهای دولت، کسری بودجه دائماً بیشتر شده و تامین آن نیز عمدتاً به استقراض از سیستم بانکی منحصر شده است. و این در حالی بوده که بخاطر موقعیت جنگی و کاهش درآمدهای ارزی کشور تولید کل یا با کاهش همراه بوده و یا در برخی از سالها افزایش اندکی پیدا کرده است. متوسط رشد سالانه شاخص بهای عمده‌فروشی کالاها در کشور در دوره ۶۵-۱۳۵۷ در حدود ۱۶/۳ درصد بوده و متوسط رشد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در همین دوره به ۱۶/۱ درصد می‌رسد. مقایسه رشد نقدینگی بخش خصوصی (به قیمت ثابت) و رشد تولید ناخالص ملی به قیمت ثابت در دوره ۶۵-۱۳۵۶ نیز بیانگر پیشی گرفتن اولی از دومی در تمام سالهای این دوره می‌باشد. هزینه تورم برای نظام اقتصادی



کشور آثار زیانباری بر جای نهاده است. ● دولت قیمت کالاها را کنترل می‌کند. در حدود ۳۳ قلم کالاها اساسی مربوط به صنایع غذایی اصلی، سلولزی، شیمیایی اصلی، ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی و صنعتی و فلزات اساسی در زمره این کالاها است. تعدادی از کالاها ضروری نیز در شمار اقلامی است که قیمت آنها نظارت می‌شود. برای مثال قیمت سیمان، تیر آهن، نبشی و میلگرد و لوله، شوندها، لاستیک اتومبیل، اتومبیل، تراکتور و انواع دیگر وسائط نقلیه، قند و شکر، روغن نباتی رسماً تعیین و توزیع بسیاری از این اقلام با سهمیه‌بندی انجام می‌شود. این اقدام قیمت کالاها را مزبور را به نسبت قیمت سایر کالاها پائین‌تر نگاه می‌دارد و باعث حرکت منابع اقتصادی از تولید این کالاها به سوی کالاهایی می‌شود که قیمت آنها افزایش می‌یابد و در نتیجه سودآورتر است و در درازمدت بخشهای اقتصادی تحت کنترل به بخشهای ضعیف نظام اقتصادی



در حقیقت مربوط است به جایگزینی کالاها و منابع حقیقی برای پول. در واقع می‌توان گفت با تثبیت انتظارات تورمی در سالهای اخیر عده‌ای از مردم به جای قسمتی از وجوه نقدی، کالاهای مفیدی را که قابل مصرف است نگهداری می‌کنند.

شرایطی که تورم، ارزش پول را با کاهش مواجه کرده، هزینه خالص تورم به صورت استفاده از کالا بجای پول، یعنی ایجاد احتکار عمومی فقط یکی از اثرات تورم است.

بر اثر تورم، ثروتها و درآمدهای جامعه بنفع دارندگان داراییهای ثابت و صاحبان کسب و کار آزاد و به ضرر مزد و حقوق‌بگیران تجدید توزیع شده است و در پی آن فقر عمومی گسترش یافته است. تورم آثار سویی بر ساختار اقتصادی بجای گذاشته است. که ذیلاً به برخی از جنبه‌های آن که به بخش صنعت مربوط می‌شود می‌پردازیم.

### آثار تورم بر بخش صنعت

بدنبال افزایش سطح عمومی قیمتتها در زمانی بالنسبه طولانی نسبت قیمت کالاها، خدمات و منابع تولیدی تغییر کرده و دولت به اتخاذ تصمیماتی واداشته شده که بر ساختار اقتصادی

تبدیل می‌شود.

● وقتی دولت بجای انجام اقدامات اساسی برای مقابله با تورم (از جمله کاهش کسری بودجه مستمر) به تلاش در جهت کنترل سطح عمومی قیمتتها می‌پردازد از آنجا که کنترل قیمت اساساً در نقطه تولید سهل‌تر است، در آمد واحدهای صنعتی محدود می‌شود در حالی که به علت وجود فشار تورمی که در نتیجه وجود مداوم عسلل تورم وجود دارد، درآمدهای قابل توجهی نصیب توزیع کننده همان کالا می‌شود و منابع جامعه از امور تولیدی به سمت امور تجاری و واسطه‌گری سوق می‌یابد بدین ترتیب شاهد تضعیف بخشهای تولیدی و تقویت رشد بخشهای واسطه‌گری در اقتصاد هستیم. برای نمونه بهره‌وری سرانه شاغلان صنعت و معدن (بدون نفت) از ۱۸۹ هزار ریال در سال ۱۳۵۵ به ۲۷۵ هزار ریال در سال ۱۳۶۵ رسیده است (بقیمت ثابت سال ۱۳۵۳) یعنی رشد سالانه‌ای در حدود ۳/۸ درصد داشته است. این رشد بهره‌وری نیز بطور عمده بعلت از دست رفتن ۲۱۲ هزار شغل صنعتی در ظرف دهسال (۶۵-۱۳۵۵) به ویژه در صنایع کوچک روستایی (بطور عمده قالیبافی) بوده است. در حالیکه

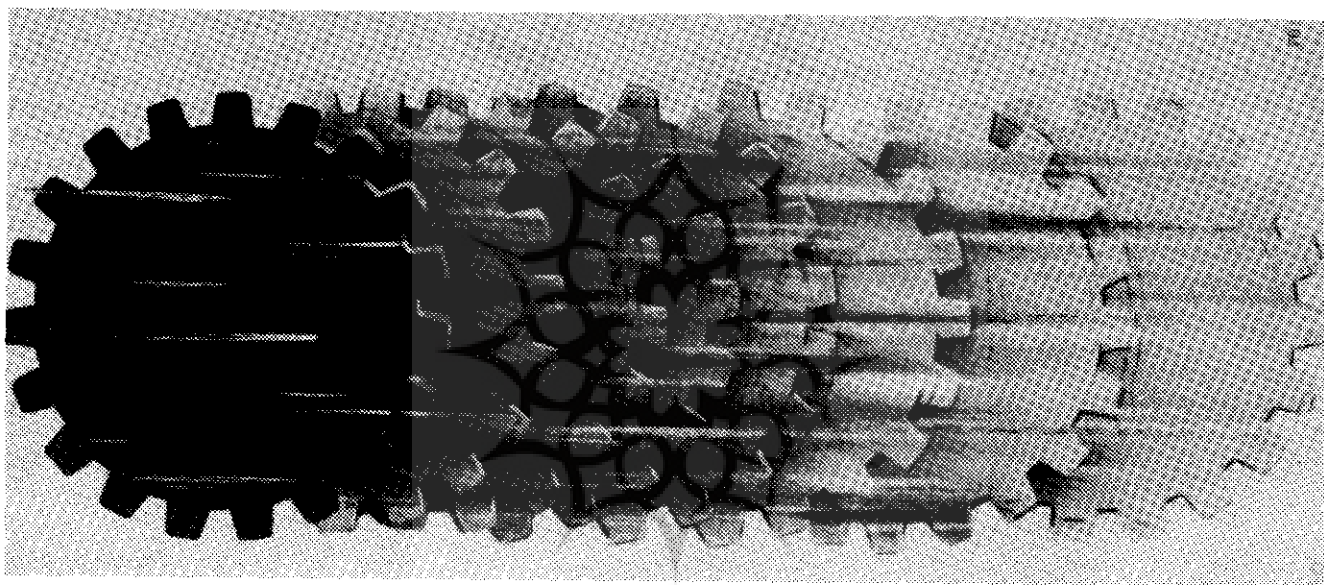
محصولات صنعتی و توزیع سهمیه‌ای مواد اولیه حلقه‌ای معیوب میان تاجر- کارفرمای صنعتی و مقامات ذینفوذ بوروکراسی ایجاد کرده و از این طریق سودهای شبه انحصاری عاید این گروهها می‌شود و آنان که نتوانسته‌اند در این بازی وارد شوند از کسب سود متوسط نیز محروم مانده‌اند. ادامه این شیوه، کارفرمایی صنعتی را در آینده با خطر انحطاط و فساد روبرو می‌کند و می‌تواند پیامدهای سوئی برای توسعه صنعتی کشور در برداشته باشد.

● بعثت وضعیت یادشده و نیز نامشخص بودن حدود مالکیت‌های بزرگ صنعت و ناامنی ناشی از خطر مصادره و مشکلاتی که کسب و کار بزرگ در سالهای گذشته با آن مواجه بوده است، سرمایه‌داران بزرگ اقبال ناچیزی به سرمایه‌گذاری در واحدهای بزرگ مقیاس و سرمایه‌بر نشان می‌دهند.

ششم- تنگنای زیربنایی شامل عدم دسترسی به زمین صنعتی، آب و برق و سوخت در زمان و مکان مناسب، کمبود ارز برای خرید دانش فنی و ماشین‌آلات صنعتی از خارج، کمبود مصالح ساختمانی و مقررات دست و پاگیر در زمینه‌های مختلف که کارفرمای صنعتی را ناگزیر

در همین مدت بهره‌وری سرانه شاغلان بازرگانی، رستوران و هتل‌داری از ۳۹۷ هزار ریال به ۷۲۰ هزار ریال افزایش یافته و از رشد متوسط سالانه‌ای در حدود ۶۸ درصد برخوردار بوده است. بیهوده نیست که در ظرف سالهای ۶۲-۱۳۵۶ رشد متوسط سالانه ارزش افزوده صنعت و معدن ۲/۹ و بازرگانی، رستوران و هتل‌داری ۶/۹ درصد بوده است و رشد صنعتی سرانه جامعه در این مدت کاهش یافته است.

● در شرایط تورمی کارفرمای صنعتی ناگزیر شده است بتدریج بر حقوق و دستمزد کارکنان بیافزاید و هزینه‌های بیمه و مالیات بیشتری پرداخت کند، در حالیکه کارکنان مشاغل



#### منابع:

- ۱- مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵
- ۲- سازمان برنامه و بودجه، برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۷۳-۱۳۶۹)

می‌سازد با سازمانها و نهادهای متعدد سرو کار داشته باشد، دوره ساختمانی طرحهای بزرگ صنعتی را بسیار طولانی کرده است و همین امر از سوددهی سرمایه در این بخش می‌کاهد. در حالیکه در بخش تجارت تورم مزمن ضامن سود است و برگشت سریع سرمایه خطرات سرمایه‌گذاری را به حداقل کاهش می‌دهد.

● در سالهای ۱۳۶۵ و بعد از آن مشکلات یادشده بعثت بروز بحران سوم نفتی و کاهش درآمدهای ارزی کشور تشدید شده و این امر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در صنعت را بطور جدی مخاطره‌آمیز ساخته و محدود کرده است.

● نکته درخور توجه این است که در کشورما کارفرمایان صنعتی بمعنای دقیق کلمه کمتر یافت می‌شود. در واقع عده‌ای از کارفرمایان صنعتی از تجارت به صنعت روی آورده‌اند. سرمایه‌گذاری صاحبان صنایع بزرگ در تجارت و مستغلات نیز امری بالنسبه رایج است. قیمت‌گذاری رسمی

بازرگانی که بیشتر بصورت مستقل فعالیت می‌کنند و اقدام به تشکیل شرکت نمی‌کنند و بصورت شرکت غیر رسمی فعالیت می‌کنند، کارکنان اندکی در استخدام دارند و معمولاً هزینه‌های بیمه و مالیات نمی‌پردازند.

● در اکثر سالهای بعد از انقلاب، بعثت مضیقه ارزی واردات مواد اولیه، قطعات یدکی و منفصله و نوسازی و جایگزینی ماشین‌آلات و تسهیلات صنعتی با اشکال همراه بوده است. به همین سبب در حال حاضر سرمایه مورد نیاز برای بازسازی صنایع فرسوده بسیار قابل ملاحظه است و بسیاری از کارخانه‌های صنعتی درصد کمی از ظرفیتهای تولید خود را مورد بهره‌برداری قرار می‌دهند، طبعاً به همین دلیل هزینه هر واحد محصول آنها گرانتر از گذشته می‌باشد و در صورت عدم افزایش قیمت محصولات به تناسب افزایش هزینه‌ها حاشیه سود آنها کمتر می‌شود.